



فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم



واکاوی منابع قدرت نرم تمدنی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی؛ چارچوب تحلیلی تلفیقی

وحید آرایسی^۱

چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی سندی راهبردی برای ترسیم مسیر چهل ساله دوم انقلاب و نیل به تمدن نوین اسلامی است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به واکاوی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب می‌پردازد. پرسش اصلی این است که قدرت نرم در چارچوب بیانیه گام دوم اسلامی چه جایگاهی دارد و چگونه مؤلفه‌های آن برای پیشبرد اهداف نظام تدوین شده‌اند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیانیه گام دوم با محوریت جوانان به مثابه کانون‌های اصلی قدرت نرم، چارچوب تحلیلی تلفیقی مبتنی بر محورهای؛ علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد مقاومتی، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و سبک زندگی را به عنوان منابع قدرت نرم ترسیم می‌کند. این منابع نه صرفاً ابزاری برای تصویرسازی بین‌المللی، بلکه پیش‌نیاز درونی برای خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است. در نتیجه، بیانیه گام دوم با ارائه یک الگوی تمدنی، قدرت نرم را به سطح راهبردی و تمدنی ارتقا می‌دهد و آن را بنیان تمدن نوین اسلامی قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی:

قدرت نرم، بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی، قدرت تمدنی

۴۵

دوره ۱۶، شماره ۲، پیاپی ۴۵
تابستان ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۵-۰۲-۱۴

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۵-۰۵-۱۰

صص: ۱۵-۰۱

شابا چاپی: ۵۵۸۰-۲۳۲۲

اسکن کنید



۱. مقدمه و بیان مسأله

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر، تنها یک تحول سیاسی نبود، بلکه مبانی معرفتی، فرهنگی و هویتی ملت ایران را بازتعریف کرد و مدلی از مقاومت و پیشرفت را به جهان عرضه نمود که بیش از آنکه بر منابع سخت افزاری متکی باشد، بر بنیانهای نرم افزاری مانند ایمان، فرهنگ ایثار، استقلال خواهی و عدالت طلبی استوار بود. در ادبیات معاصر روابط بین الملل، این دسته از مؤلفه ها ذیل مفهوم قدرت نرم^۱ تحلیل می شود؛ مفهومی که نخستین بار توسط جوزف نای در اواخر دهه ۱۹۸۰ معرفی شد و به معنای توانایی کسب مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع است (Nye, 2004). قدرت، توانایی یک بازیگر در استفاده از منابع و امکانات جهت تأثیرگذاری بر رویدادهای بین المللی به نفع خود است. کشورها برای حفظ موجودیت، امنیت و رفاه شهروندان خود و نیز مقابله با تهدیدات خارجی ناگزیرند سیاست ها و برنامه هایی را جهت افزایش توانمندی و قدرت ملی خود به کار گیرند. شرایط جدید نظام بین الملل باعث شده است مؤلفه های جدیدی در ساختارهای رسمی بین الملل نقش ایفا کنند و کشورها برای تأمین منافع ملی خود ابزارها و راه های جدیدی را به کار گیرند که مهم ترین آنها را می توان بهره گیری از قدرت نرم دانست. جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت حساس استراتژیک و ژئوپلیتیک خود ناگزیر است ضمن توجه و تقویت جنبه های مختلف قدرت سخت به تقویت ابعاد قدرت نرم خود نیز بپردازد. (پیشگامی فرد و همکاران، ۱۳۹۰). با این حال، قدرت نرم صرفاً یک مفهوم ایستای منبعث و تقلیدی غرب نیست، بلکه در بسترهای تمدنی مختلف، معانی و منابع متفاوتی می یابد. انقلاب اسلامی ایران با ارائه گفتمانی جذاب مبتنی بر معنویت گرایی، عدالت خواهی و استکبارستیزی نخستین نمونه موفق کاربست قدرت نرم در جهان غیرغربی بود که توانست مرزهای جغرافیایی را درنوردد و به عنوان یک بازیگر مؤثر در معادلات منطقه ای و جهانی ظاهر شود (Ehteshami & Zweiri, 2007: 45). امروزه و در دهه پنجم حیات انقلاب اسلامی، مطالعه قدرت نرم اهمیتی مضاعف یافته است. چرا که تحول در ماهیت قدرت در عصر اطلاعات و شبکه های اجتماعی که در آن قدرت نرم شبکه ای به منبع اصلی نفوذ تبدیل شده است (Nye, 2011: 115) و نیز افزایش رقابت های ژئوپلیتیکی و جنگ های شناختی که در آن دولت ها به دنبال کنترل روایت ها و اذهان هستند (Gilboa, 2008: 58). در چنین فضایی، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به عنوان سندی راهبردی، چارچوب حرکت چهل ساله دوم را ترسیم می کند. رهبر شهید انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه هایی اساسی به منظور جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ ارائه نمودند. این بیانیه تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. بیانیه گام دوم به عنوان آغازگر فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم انقلاب اسلامی، تأکیدی خاص بر جوانان با عبارت محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی، در پی کاربست همت های بلند و انگیزه های جوان و انقلابی در گام دوم انقلاب بوده است (اسکندری نسب، ۱۴۰۱). این



بیانیه، با محوریت جوانان و تأکید بر محورهای هفت‌گانه‌ای نظیر؛ علم، معنویت، اخلاق، اقتصاد مقاومتی، عدالت و سبک زندگی، در واقع نقشه راهی برای بازتولید و ارتقای منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ارائه می‌دهد و آن را در یک فرایند سه‌مرحله‌ای خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی تعریف کرده و به آن عمق تمدنی می‌بخشد.

۲. پیشینه تحقیق و مبانی نظری

۲.۱. پیشینه تحقیق

یاری‌خانی و فلاح‌زاده (۱۴۰۳). در پژوهش «گفتمان معنوی انقلاب اسلامی و بازتولید قدرت نرم با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب» معتقدند انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک انقلاب برخاسته از فرهنگ دینی با تکیه بر معنویت به‌مثابه قدرت نرم توانست به پیروزی برسد و جمهوری اسلامی را تثبیت کند؛ معنویت، مؤلفه‌ای است که در بیانیه گام دوم نیز به‌عنوان یکی از محورهای اصلی این سند راهبردی مورد توجه قرار گرفته است؛ از این‌رو ضرورت دارد جایگاه معنویت در قدرت نرم انقلاب اسلامی مورد بازخوانی قرار گرفته و به مسائلی نظیر «نقش و کارکرد معنویت در ارتقاء قدرت نرم انقلاب اسلامی، شاخصه‌های معنویت دینی و انقلابی، ویژگی گفتمان‌های رقیب نسبت به گفتمان معنوی انقلاب اسلامی، و نقش اساسی عنصر معنویت در افزایش قدرت نرم انقلاب اسلامی در سطح داخلی و بین‌المللی» توجه گردد. در پژوهش حاضر توجه به شاخص‌های معنویت موردنظر بیانیه گام دوم مثل ارزش‌های معنوی اخلاص، ایثار، توکل، ایمان و عقلانیت مطرح شده که در گفتمان رقیب یعنی معنویت‌های نوظهور دیده نمی‌شود و بلکه آن‌ها با به‌انزوا کشاندن اعضا، فرقه‌گرایی غیرعقلانی و تکثرگرایی افراطی فرقه‌ها و با استفاده از نمادگرایی به دنبال پر کردن خلأ معنوی انسان عصر مدرنیته بوده‌اند که تبیین گفتمان معنوی انقلاب اسلامی برای افکار عمومی راه مقابله با چالش‌ها و مخاطراتی است که جریان‌های نوپدید برای معنویت اصیل انقلابی ایجاد می‌کنند.

فیضی (۱۴۰۲) در پژوهش «جایگاه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» مطرح می‌کند بیانیه گام دوم با ابتناء به اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی به تداوم حرکت جمهوری اسلامی ایران در چهل سال آینده پیش رو می‌پردازد. از نظر علم سیاست (که نقطه کانونی آن مبحث قدرت است)، به بررسی جایگاه قدرت نرم در بیانیه گام دوم پرداخته شود. بر اساس یافته‌های مقاله حاضر که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به دست آمده است، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ضمن توجه به ابعاد سخت افزاری و نرم افزاری قدرت ملی، بنیادی‌ترین عنصر قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران را قدرت نرم مبتنی بر انقلاب اسلامی، ارزش‌های سیاسی انقلاب، ایمان، انگیزه الهی و ولایت فقیه می‌داند. از آنجایی که ارزش‌های انقلاب اسلامی مبتنی بر فطرت بشری می‌باشد، از سوی

تمام جوامع بشری مورد استقبال بوده و قدرت نرم عظیمی را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد.

رکابیان و پورحسین (۱۴۰۱) در پژوهش «جایگاه عزت ملی به مثابه قدرت نرم در روابط خارجی در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» مطرح می‌کنند هدف این مقاله، تحلیل جایگاه عزت ملی در روابط خارجی در بیانیه گام دوم انقلاب است که مقام معظم



رهبری در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ خطاب به ملت ایران صادر کردند. در این بیانیه «عزت ملی، روابط خارجی و مرز بندی با دشمن» به مثابه قدرت نرم به عنوان شاخه هایی از اصل «عزت، حکت و مصلحت» که راهنمای سیاست خارجی جمهوری اسلامی است، مطرح شده است. سؤال اصلی مقاله اینگونه مطرح شده است: «عزت ملی در روابط خارجی به مثابه قدرت نرم در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی دارای چه جایگاهی است؟» فرضیه مقاله نیز اینگونه صورت بندی شده است: «عزت ملی در روابط خارجی و مرز بندی با دشمن به عنوان قدرت نرم برآمده از اصل استقلال و آزادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است، با عزت ملی در روابط خارجی، اصل استقلال و آزادی نهادینه شده در گام دوم انقلاب بیشتر تثبیت می شود.» یافته های مقاله که با روش کیفی و تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری بویژه در بیانیه گام دوم و نیز سایر بیانات مرتبط از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار ایشان استخراج و با منابع معتبر علمی تحلیل شده، بیانگر آن است که مجموعه تحولاتی در منطقه غرب آسیا موجب برتری منطقه ای جمهوری اسلامی شده و با حفظ این دستاوردها و نیز با تدقیق مرز با دشمن، بی اعتمادی به طرف اروپایی و عدم مذاکره با آمریکا در باره مسائل هسته ای و سایر مسائل مورد اختلاف، عزت ملی جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی نهادینه می شود.

حیدر نژاد و مقیمی (۱۴۰۱) در پژوهش «طراحی الگوی سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر قدرت نرم)» مطرح کردند هدف این پژوهش دستیابی به الگوی مطلوب سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب و با تأکید بر قدرت نرم می باشد. این تحقیق از نظر هدف اکتشافی از نوع توسعه ای و از لحاظ ماهیت تحقیق کیفی است، یعنی استخراج داده ها، ابعاد و مؤلفه ها با روش نظریه داده بنیاد استخراج گردید. ابزار گردآوری داده ها مصاحبه است. جامعه آماری در این پژوهش را خبرگان مرتبط در این حوزه می باشند. برای شناسایی افراد در پژوهش حاضر، جامعه آماری متشکل از استادان دانشگاهی خبره، مدیران ارشد و صاحب نظران که دارای حداقل تحصیلات کارشناسی ارشد به بالا بوده و مسلط به حوزه سبک زندگی اسلامی و دینی و قدرت نرم می باشند را شامل می شود. حجم نمونه در این تحقیق تا رسیدن به اشباع نظری بود، که این تعداد پس از مصاحبه با ۳۲ نفر از خبرگان دانشگاهی، مدیران و صاحب نظران در شهر تهران که دارای حداقل تحصیلات کارشناسی ارشد به بالا و مسلط به حوزه سبک زندگی اسلامی و دینی و قدرت نرم بودند، به اشباع نظری رسیدیم. یافته های پژوهش نشان داد الگوی مستخرج که در مقابل ترویج سبک زندگی غربی به عنوان یک حربه قدرت نرم محسوب می شود، شامل چهار بعد یا مضمون فراگیر سبک اسلامی در ارتباط با خود، در ارتباط با خدا، فعالیت های فراغتی و سبک سازمانی جهادی و عمل انقلابی است. بعد سبک اسلامی در ارتباط با خود شامل چهار مؤلفه های بعد سبک اسلامی در ارتباط با خدا شامل مؤلفه؛ بعد سبک فعالیت های فراغتی شامل دو مؤلفه ها و بعد سبک سازمانی جهادی شامل مؤلفه سبک سازمانی است.

شیروودی (۱۳۹۹) در پژوهش «قدرت نرم، تمدن نوین اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» می نویسد بیانیه گام دوم انقلاب بیش از آن که منشوری جهت ارتقای آگاهی مردم ایران باشد، راهبردی است که به نهادینه سازی انقلاب بر پایه بهره گیری از گذشته تاریخی ایران، دستاوردهای بشری و تجربه چهل سال اول انقلاب می اندیشد. تحقق مفاد این بیانیه، به راهبردهایی نیازمند است که با شناخت واقعی از عناصر قدرت نرم انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، به دنبال راه دستیابی به تمدن نوین اسلامی است، از این



رو، یکی از سئوالات پیش رو آن است که چه رابطه معناداری بین قدرت نرم و تمدن نوین اسلامی برای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی وجود دارد. مقاله حاضر برای یافتن پاسخ یا پاسخ‌هایی به سؤال پیش گفته با انتخاب یک مدل مفهومی از مهم‌ترین عناصر مشترک در صدد نشان دادن رابطه معنادار و تکاملی قدرت نرم، تمدن نوین اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب است که در یافته‌هایی چون رابطه سلسله‌ای و در عین تکاملی آن سه است که در صدد عرضه طرحی نو در پیوند بین گذشته تا امروز و فردای جمهوری اسلامی است.

دارابی (۱۳۹۹) در پژوهش «گام دوم انقلاب اسلامی، تهاجم نرم و سواد رسانه‌ای» مطرح می‌کند رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ضمن مروری به تجربه ۴۰ ساله انقلاب، با اشاره به گام دوم انقلاب، سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی را در بخش‌هایی چون علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی مطرح می‌کنند اما پیش از این سرفصل‌ها یکی از نکاتی را که بدان اشاره می‌کنند موضوع سیاست تبلیغی و رسانه‌ای و محاصره تبلیغاتی دشمن است که بدون توجه به آن‌ها تحقق گام‌ها انقلاب امکان‌پذیر نیست. نوشتار توصیفی - تحلیلی حاضر تلاش دارد با توجه به تأکیدات رهبری نشان دهد که ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون رسانه‌ای دشمنان به سمت جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان به چشم می‌آید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به تأکیدات مقام رهبری توجه به سیاستگذاری رسانه‌ای مبتنی بر مهارت انتقادی به عنوان یکی از بخش‌های سواد رسانه‌ای ضمن فراهم ساختن شکست محاصره تبلیغاتی نظام سلطه تسهیل‌کننده تحقق فصول بیانیه گام دوم به مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی انقلاب اسلامی خواهد بود.

نادری و پیرانی (۱۳۹۹) در پژوهش «راهبردهای پیشرو در پساچهل سالگی انقلاب اسلامی (تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)» مطرح می‌کنند تحقق نسبی اهداف انقلاب اسلامی نیازمند شناخت وضعیت موجود و برنامه‌ریزی برای رسیدن به وضعیت مطلوب می‌باشد. بیانیه گام دوم که توسط رهبر انقلاب صادر شد بیانگر وضعیت انقلاب اسلامی در آستانه چهل سالگی بوده و در واقع طرحی برای گذر از وضع موجود به وضع مطلوب و آرمانی است. نظر به اهمیت این مسئله، این مقاله با روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی با کاربست رویکرد تحلیل سیستمی سوات درصدد پاسخگویی به این سؤال است: «راهبردهای پیشروی جامعه ایران در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی بر اساس بیانیه گام دوم چیست؟ بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌توان چهار استراتژی در دوران پساچهل سالگی انقلاب اسلامی طراحی کرد: «راهبرد «پیشسازی» انقلاب اسلامی ناظر بر قوت‌های داخلی و فرصت‌های بیرونی؛ «راهبرد «صیانتی» انقلاب اسلامی ناظر بر قوت‌های داخلی و تهدیدهای بیرونی؛ «راهبرد «رقابتی» انقلاب اسلامی ناظر بر فرصت‌های بیرونی و ضعف‌های داخلی؛ و «راهبرد «مقاومتی» انقلاب اسلامی ناظر بر ضعف‌های داخلی و تهدیدهای بیرونی. نظر به توفیقات انقلاب اسلامی در امر قوت‌ها و فرصت‌های حداکثری پیشرو در مقایسه با ضعف‌ها و تهدیدها، اهتمام دولتمردان باید بسیج منابع، امکانات و ظرفیت‌ها به منظور برنامه‌ریزی در راستای عملیاتی کردن راهبردهای مذکور با



محوریت راهبرد پیشتازی در محیط منطقه‌ای و نظام بین‌الملل باشد. این راهبرد به صورت خاص در امر حکمرانی بر حاکم کردن سیاست‌های درون‌گرا (ناظر بر توانمندی‌ها، ظرفیت‌های مادی و معنوی داخلی، و نفوذ منطقه‌ای) به جای سیاست‌های برون‌گرا (ناظر بر حمایت‌های بیگانگان) بر دستگاه حکمرانی و افکار عمومی جامعه با در پیش گرفتن طراحی و نهادینه کردن سبک زندگی اسلامی تأکید دارد.

با توجه به بررسی پیشینه تحقیق که به آنها اشاره شد، می‌توان گفت اهمیت و ضرورت این پژوهش از آن روست که تاکنون مطالعات اندکی به تحلیل نظام‌مند جایگاه منابع قدرت نرم تمدنی در متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. اغلب پژوهش‌های موجود یا صرفاً به ابعاد گفتمانی پرداخته‌اند، یا قدرت نرم را به صورت بخشی و نه به‌عنوان روح کلی حاکم بر بیانیه تحلیل کرده‌اند. خلأ نظری موجود، فقدان چارچوبی تلفیقی است که خوانش اسلامی-ایرانی آن را برای تحلیل این بیانیه به کار گیرد.

۲.۲. قدرت نرم: از مفهوم‌سازی کلاسیک تا تحولات متأخر

جوزف نای در تعریف کلاسیک، قدرت نرم را توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران برای به دست آوردن نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع تعریف می‌کند و منابع اصلی قدرت نرم از دیدگاه وی شامل؛ فرهنگ (در صورت دارا بودن ارزش‌های جهان‌شمول)، ارزش‌های سیاسی (مانند دموکراسی و حقوق بشر، زمانی که در داخل و خارج به آن‌ها پایبندی وجود داشته باشد)، و سیاست خارجی (زمانی که مشروع و اخلاقی تلقی گردد) می‌شود (Nye, 2004: 2-11). نای تأکید می‌کند که قدرت نرم به‌طور غیرمستقیم عمل می‌کند و اغلب محصول جانبی سیاست‌های داخلی و خارجی است، نه لزوماً محصول برنامه‌ریزی‌های دیپلماسی عمومی. با گذشت دو دهه از طرح این نظریه، تحولات عمیقی در مفهوم‌سازی قدرت نرم رخ داده است به طوری که نای در کتاب خود مفهوم قدرت هوشمند^۱ را به‌عنوان ترکیب هوشمندانه قدرت سخت و نرم برای دستیابی به اهداف معرفی کرد و استدلال نمود که موفق‌ترین بازیگران جهانی آن‌هایی هستند که می‌توانند این دو را با یکدیگر تلفیق کنند (Nye, 2011: 22). افزون بر این، تحولات فناورانه و ظهور شبکه‌های اجتماعی، ماهیت قدرت نرم را دگرگون ساخته است.

نای در آثار متأخر خود به قدرت نرم شبکه‌ای^۲ اشاره می‌کند که در آن بازیگران غیردولتی، افراد و جوامع مجازی به تولیدکنندگان اصلی جذابیت تبدیل شده‌اند و دولت‌ها دیگر انحصار قدرت نرم را در اختیار ندارند (Nye, 2011: 115-118). این دگرگونی، دیپلماسی عمومی سنتی را به دیپلماسی عمومی نوین تبدیل کرده است که بر گفت‌وگو، تعامل دوسویه و شبکه‌سازی افقی تأکید دارد، نه صرفاً پخش یک‌جانبه پیام (Gilboa, 2008: 62-65). نظریه‌پردازان انتقادی، دیدگاه نای را به دلیل غرب‌محوری و نادیده گرفتن منابع غیرلیبرال قدرت نرم به چالش کشیده‌اند چرا که منابعی نظیر؛ دین، ایدئولوژی، مقاومت در برابر

۱- Smart Power.

۲- Network Soft Power.



امپریالیسم و ارزش‌های جمع‌گرایانه نیز می‌توانند قدرت نرم تولید کنند، هرچند در چارچوب لیبرال-دموکراتیک نای نگنجد (Wastnidge, 2015: 95).

۲.۳. خوانش انقلاب اسلامی از قدرت نرم: از صدور انقلاب تا قدرت نرم تمدنی

در گفتمان انقلاب اسلامی، قدرت نرم ریشه‌ای عمیق‌تر از مفهوم‌سازی جوزف نای دارد که به مبانی قرآنی و سیره پیامبران باز می‌گردد. نخستین و مهم‌ترین مستند قرآنی، آیه ۱۵۹ سوره آل عمران است که رمز موفقیت پیامبر اکرم (ص) را در «نرم‌خویی» و «جذابیت اخلاقی» ایشان معرفی می‌کند: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (اگر خشن و سنگ‌دل بودی، از گرد تو پراکنده می‌شدند). مفسران قرآن، این آیه را نشان‌دهنده «قدرت نفوذ و رهبری مبتنی بر محبت و اخلاق» دانسته‌اند که دقیقاً منطبق بر مفهوم قدرت نرم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۸۹). امام خمینی (ره) نیز با استناد به همین آیه، قدرت اصلی انقلاب اسلامی را نه در تسلیحات، بلکه در «تحول قلبی و فرهنگی» مردم می‌دانستند و می‌فرمودند: «ما از اول انقلاب تا حالا، آن چیزی که داشتیم، قدرت ایمان بود... همان قدرت ایمان مردم بود که این انقلاب را پیش برد» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۸: ۱۵۶). دومین مبنا، اصل «تألیف قلوب» در اسلام است که در قرآن کریم (سوره توبه: آیه ۶۰) به‌عنوان یکی از مصارف زکات ذکر شده و به معنای جذب دل‌ها از طریق محبت و احسان است. در روایات اسلامی نیز آمده است: «النَّاسُ عِبَادُ الْإِحْسَانِ» (مردم بنده احسان‌اند)، یعنی جذابیت خدمت‌گزاری و اخلاق، دل‌ها را مسحَر می‌کند این مبنا نشان می‌دهد که در گفتمان اسلامی، قدرت نرم صرفاً ابزاری برای نفوذ سیاسی نیست، بلکه روشی برای هدایت و خدمت به بشریت است. رهبر معظم انقلاب نیز با اشاره به همین مبنا می‌فرماید: «قدرت نرم یعنی قدرت تأثیرگذاری بر دل‌ها و فکرها، قدرتی که از ایمان، علم، اخلاق و پیشرفت ناشی می‌شود و هدف آن خدمت به بشریت و گسترش ارزش‌های الهی است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۲۲) سومین مبنا، اصل «اِشْدَاءُ عَلَى الْكَافِرِ رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹) است که نشان می‌دهد قدرت نرم اسلامی، دوجوهی است: در برابر دشمنان مستکبر، «صلابت» و «مرزبندی» دارد و در برابر مستضعفان و مؤمنان، «رحمت» و «جذابیت». این اصل، برخلاف مدل نای که قدرت نرم را عمدتاً «نرم‌خویی یک‌جانبه» برای جذب همه می‌داند، یک قدرت نرم مقاومت‌گرا را ترسیم می‌کند که هم «جاذبه» دارد و هم «دافعه» (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۷۴). این مبنا بعدها در مفهوم «دیپلماسی مقاومت» در گفتمان رهبر شهید انقلاب اسلامی بسط یافت.

نظریه صدور انقلاب که در دهه نخست انقلاب اسلامی مطرح شد، اساساً بر الهام‌بخشی و جذابیت مدل انقلاب اسلامی برای ملت‌های مسلمان مبتنی بود و می‌توان آن را نخستین تجربه نظری و عملی قدرت نرم جمهوری اسلامی دانست (خرمشاد، ۱۳۸۹: ۵۵). رهبر شهید انقلاب اسلامی در طول دوران رهبری خود، مفهوم قدرت نرم را به‌طور نظام‌مند در ادبیات سیاسی ایران وارد کردند و آن را از سطح تاکتیکی به سطح راهبردی ارتقا دادند. ایشان قدرت نرم را قدرت تأثیرگذاری بر دل‌ها و فکرها تعریف کرده و منابع آن را ایمان، علم، اخلاق و پیشرفت بر شمرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۲۲). همچنین با طرح کلان روایت تمدن نوین اسلامی در دهه ۱۳۹۰، قدرت نرم را در یک چارچوب تمدنی بازتعریف کردند که از خودسازی (سطح فردی) آغاز می‌شود، به جامعه‌پردازی (سطح ملی) می‌رسد و در تمدن‌سازی (سطح بین‌المللی) به اوج خود می‌رسد (ایزدی، ۱۳۹۵: ۵۰). این نگاه، قدرت



نرم را از یک ابزار سیاست خارجی به فرایندی همه جانبه برای ساخت یک تمدن الهام بخش تبدیل می‌کند. برزگر (۱۳۹۴) استدلال می‌کند که قدرت نرم اسلامی بر منابعی چون ایمان، شهادت‌طلبی، فرهنگ مهدویت و ارزش‌های اخلاقی استوار است که در چارچوب نای جایی ندارند (برزگر، ۱۳۹۴: ۱۲). خرمشاد (۱۳۸۹) نیز با بررسی تاریخی، صدور انقلاب را به‌عنوان الگوی بومی قدرت نرم تحلیل کرده است. برخی تحلیلگران غربی نیز قدرت نرم ایران را عمدتاً فرهنگی و مذهبی می‌دانند که از طریق شبکه‌های غیردولتی و هویت‌های فراملی (مانند تشیع) عمل می‌کند (Wastnidge, 2015: 100-103).

۲.۴. چارچوب تحلیلی تلفیقی: قدرت نرم تمدنی

برای تحلیل بیانیه گام دوم، نمی‌توان صرفاً به یک نظریه اکتفا کرد؛ بلکه نیازمند چارچوبی تلفیقی هستیم که هم مفهوم‌سازی نای (منابع سه‌گانه قدرت نرم) را در برگیرد، هم تحولات متأخر آن (قدرت هوشمند و شبکه‌ای) را لحاظ کند، و هم با مبانی انقلاب اسلامی (معنویت‌گرایی و تمدن‌محوری) پیوند بخورد. در چارچوب تلفیقی این پژوهش، قدرت نرم تمدنی عبارت است از: توانایی یک ملت در نفوذ و جذب دیگران از طریق ارائه یک الگوی زیستی (سبک زندگی)، یک نظام دانش (علم بومی)، یک منظومه ارزشی (اخلاق و معنویت) و یک مدل سیاسی (استقلال و عدالت) که همگی برآمده از یک فرایند درونی خودسازی و جامعه‌پردازی باشند و به صورت شبکه‌ای توسط حاملان اصلی (جوانان) در سطح منطقه‌ای و جهانی منتشر شوند. این تعریف، قدرت نرم را از یک وضعیت ایستا به یک فرایند پویا و از یک ابزار دیپلماتیک به یک راهبرد تمدنی ارتقا می‌دهد. بیانیه گام دوم، متنی راهبردی در هفت بخش اصلی است که پس از مقدمه‌ای در باب دستاوردهای چهار ساله، به تبیین سرفصل‌های ضروری برای چهار ساله دوم می‌پردازد. این محورها عبارتند از: علم و پژوهش؛ معنویت و اخلاق؛ اقتصاد؛ عدالت و مبارزه با فساد؛ استقلال و آزادی؛ عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن؛ و سبک زندگی. در تمام این بخش‌ها، خطاب اصلی به جوانان به‌عنوان محور تحقق گام دوم است. رهبر شهید انقلاب اسلامی می‌فرماید: «محور اجرای این بیانیه، جوانان هستند... جوانان باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند و با عزم راسخ، گام‌های استوار بردارند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر «خودسازی»، «جامعه‌پردازی» و «تمدن‌سازی» تأکید می‌کند که یک فرآیند سه مرحله‌ای است. خودسازی ناظر به پرورش فردی بر اساس معنویت و اخلاق، جامعه‌پردازی به ساختن نظامات اجتماعی و اقتصادی عادلانه، و تمدن‌سازی به ارائه الگویی جدید از زیست بشری اشاره دارد. این سه مرحله، دقیقاً متناظر با سطوح تولید قدرت نرم هستند: قدرت نرم (فرد متعهد و عالم)، ساختار مولد قدرت نرم (جامعه الگو) و بازتاب و فرافکنی قدرت نرم (تمدن اسلامی).

۲.۴.۱. علم و پژوهش: قدرت نرم دانش‌بنیان

رهبر شهید انقلاب اسلامی با اشاره به پیشرفت‌های علمی جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته، تأکید می‌کند که «علم، آشکارترین و سیله عزت و قدرت یک کشور است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). علم در چارچوب قدرت نرم، هم منبع داخلی اقتدار و هم ابزاری برای جذب و نفوذ بین‌المللی می‌باشد. کشوری که در فناوری‌های پیشرفته مانند زیست‌فناوری، نانو، هوافضا و هسته‌ای به



خودکفایی می‌رسد، هم اعتماد به نفس ملی را تقویت می‌کند و هم در معادلات جهانی به‌عنوان قطب علمی، جذابیت نرم ایجاد می‌کند. جوزف نای تصریح می‌کند که برتری علمی و فناوری یکی از منابع قدرت نرم است، زیرا دیگران را به همکاری، تقلید و دنباله‌روی علمی ترغیب می‌کند (Nye, 2011: 47). بیانیه با فراخواندن جوانان به «جهاد علمی»، آنان را عاملان تولید قدرت نرم دانش‌بنیان معرفی می‌کند. اهمیت این محور تا آنجاست که بدون پشتوانه علمی، سایر مؤلفه‌های قدرت نرم نیز دچار ضعف بنیادین خواهند شد.

۲.۴.۲. معنویت و اخلاق: هسته سخت قدرت نرم انقلاب اسلامی

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تصریح می‌کند «معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). در چارچوب قدرت نرم، معنویت و اخلاق چند کارکرد اساسی دارند: اولاً، منبع اصلی جذابیت انقلاب اسلامی برای ملت‌های مسلمان و آزادی‌خواه بوده است. رمز موفقیت انقلاب و نظام اسلامی در برابر رژیم پهلوی و سپس در جنگ‌های تحمیلی اول، دوم و سوم، قدرت ایمان و ایثار بود. ثانیاً، معنویت و اخلاق به مثابه سپر دفاعی در برابر جنگ نرم دشمن عمل می‌کند؛ جامعه‌ای که از درون سست و تهی از اخلاق شود، به راحتی در برابر نفوذ فرهنگی فرو می‌پاشد. ثالثاً، در بعد تمدنی، تمدن نوین اسلامی تنها در صورتی می‌تواند الهام‌بخش جهانیان باشد که بر بنیان‌های استوار معنوی و اخلاقی بنا شده باشد. به بیان جوزف نای، ارزش‌های سیاسی و فرهنگی وقتی منبع قدرت نرم می‌شوند که در داخل به آن‌ها عمل شود و جذابیت واقعی داشته باشند (Nye, 2004: 55). بیانیه با تأکید بر تقویت معنویت و اخلاق در همه نهادها، در واقع زیرساخت اصلی قدرت نرم تمدنی را هدف‌گذاری می‌کند. جوانان مؤمن و اخلاق‌مدار، حاملان این قدرت هستند.

۲.۴.۳. اقتصاد مقاومتی: قدرت نرم اقتصادی

شاید در نگاه نخست، اقتصاد متعلق به قلمرو قدرت سخت به نظر برسد، اما بیانیه بر «اقتصاد مقاومتی» و «درون‌زایی و برون‌نگری» تأکید دارد که آن را به منبع قدرت نرم تبدیل می‌کند. اقتصاد مقاومتی با کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و بی‌اثر کردن تحریم‌ها، استقلال اقتصادی را تقویت می‌کند که خود از مؤلفه‌های عزت ملی است. کشوری که بتواند تحت شدیدترین فشارها، نیازهای اساسی مردم را تأمین کند و به رشد خود ادامه دهد، الگویی از مقاومت و خوداتکایی ارائه می‌دهد که برای دیگر ملت‌های تحت ستم، جذاب و الهام‌بخش است. این همان قدرت نرم الگویی است که نای از آن با عنوان جذابیت مدل توسعه یاد می‌کند (Nye, 2004: 34). بیانیه با اشاره به «فعال کردن همه ظرفیت‌های داخلی»، اقتصاد را نه صرفاً معیشت، بلکه عرصه نمایش کارآمدی نظام و ناکارآمدی الگوی سرمایه‌داری تحریمی تعریف می‌کند. به این ترتیب، موفقیت در اقتصاد مقاومتی، قدرت نرم

جمهوری اسلامی را تقویت می‌کند ۲.۴.۴. عدالت و مبارزه با فساد: قدرت نرم مشروعیت‌ساز

بیانیه گام دوم با صراحت از «فاصله با آرمان‌های عدالت‌خواهانه» انتقاد و بر «مبارزه بی‌امان با فساد» تأکید می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). در ادبیات قدرت نرم، مشروعیت داخلی و خارجی نظام سیاسی، رابطه مستقیمی با شفافیت، عدالت و سلامت نظام اداری دارد. جوزف نای می‌گوید کشوری که در آن فساد بیداد کند، ارزش‌های سیاسی‌اش جذابیت خود را از دست می‌دهد و قدرت



نرم‌اش تضعیف می‌شود (Nye, 2011: 100). بنابراین، عدالت و مبارزه با فساد، سرمایه نرم نظام را احیا و بازتولید می‌کند. بیانیه با تأکید بر اینکه «فساد، آفتی کشنده برای هر انقلاب است»، جوانان را به عنوان طلایه‌داران شفافیت و عدالت فرا می‌خواند. تحقق این محور، اعتماد عمومی را افزایش داده، انسجام ملی را تحکیم می‌بخشد و چهره نظام را در افکار عمومی جهانی ترمیم می‌کند؛ بدین ترتیب مستقیماً قدرت نرم را تقویت می‌کند.

۲،۴،۵. استقلال و آزادی: قدرت نرم سیاسی

استقلال و آزادی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی بوده و در بیانیه نیز به عنوان محوری مستقل مطرح شده‌اند. استقلال سیاسی به معنای عدم وابستگی به قدرت‌های خارجی، و آزادی به معنای حق تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی - اجتماعی است. از منظر قدرت نرم، سیاست خارجی مستقل و مبتنی بر اصول، یکی از منابع جذابیت است؛ کشوری که علی‌رغم فشارها، تسلیم زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ نمی‌شود، برای ملت‌های مستضعف به الگو بدل می‌شود. جوزف نای، سیاست خارجی اخلاقی و مشروع را از منابع قدرت نرم می‌داند (Nye, 2004: 60). از سوی دیگر، آزادی‌های اجتماعی در چارچوب ارزش‌های اسلامی، مشارکت و رضایت عمومی را افزایش می‌دهد و قدرت داخلی نظام را ارتقا می‌بخشد. بیانیه با تأکید بر «استقلال و آزادی به عنوان دو بال پرواز انقلاب»، این دو را هم‌زمان ابزار دفاعی در برابر نفوذ و عامل جذب ملت‌ها معرفی می‌کند. نقش جوانان در پاسداری از این دو ارزش، حیاتی شمرده شده است.

۲،۴،۶. عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن: دیپلماسی قدرت نرم

محور ششم بیانیه بر عزت ملی، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی و مرزبندی شفاف با دشمن تأکید دارد. «عزت ملی» یعنی حفظ کرامت و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در تعاملات جهانی. این مفهوم به‌طور مستقیم به قدرت نرم گره خورده است، زیرا کشوری که عزت‌مدارانه رفتار کند، احترام و نفوذ معنوی کسب می‌کند. بیانیه مرزبندی با «استکبار جهانی» را یک اصل راهبردی می‌داند که اتفاقاً به تقویت قدرت نرم در میان جبهه مقاومت و ملت‌های آزادی‌خواه می‌انجامد. مقابله با نفوذ و جنگ نرم دشمن نیز در این بخش جای می‌گیرد: «دشمن به دنبال نفوذ در ارکان تصمیم‌گیری و تغییر باورهای مردم است». این هشدار نشان‌دهنده آگاهی راهبردی از مفهوم قدرت نرم است. بیانیه با تأکید بر «حفظ مرزهای فرهنگی و سیاسی»، به دنبال صیانت از منابع قدرت نرم خودی و مقابله با قدرت نرم معارض است. جوانان با بصیرت، سربازان این جنگ نرم توصیف می‌شوند.

۲،۴،۷. سبک زندگی: قدرت نرم فرهنگی

بیانیه گام دوم انقلاب سبک زندگی را عرصه تبلور ارزش‌های انقلاب در زندگی روزمره می‌داند و از تهاجم فرهنگی غرب ابراز نگرانی می‌کند. در نظریه قدرت نرم، فرهنگ عامه (فیلم، موسیقی، پوشش، آداب غذا و خانواده) از مهم‌ترین منابع نفوذ است (Nye, 2004: 45). بیانیه گام دوم با دعوت به «ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی»، در واقع به دنبال احیا و بازتولید قدرت نرم فرهنگی است. اگر خانواده و جامعه ایرانی بر اساس الگوی بومی، متعادل و اخلاقی شکل گیرد، خود به رسانه‌ای برای صدور



ارزش‌های انقلاب تبدیل می‌شود. تأکید بر «ازدواج آسان»، «تحکیم خانواده» و «پرهیز از تجمل‌گرایی»، همگی ابعادی از قدرت نرم درونی هستند که جوانان باید محقق سازند.

وجه مشترک تمام محورهای فوق، خطاب قرار دادن «جوانان» به‌عنوان عامل اصلی تحقق آن‌هاست. بیانیه، جوانان را ذخیره بی‌نظیر الهی و سرمایه اصلی کشور می‌خواند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). در چارچوب قدرت نرم، نیروی انسانی جوان، خلاق، مؤمن و متعهد، ارزشمندترین منبع است. یک جمعیت جوان تحصیل‌کرده می‌تواند هم مولد علم باشد، هم حامل معنویت و اخلاق، هم پیشران اقتصاد مقاومتی و هم سفیر فرهنگی انقلاب در فضای مجازی و بین‌الملل. قدرت نرم در گام دوم، برخلاف مدل جوزف نای که دولت محور است، ماهیتی مردم‌پایه و جوان‌محور دارد. این رویکرد، موج‌های قدرت نرم را از سطح نخبگان به عمق جامعه تسری می‌دهد و آن را پایدار می‌سازد. رهبر شهید انقلاب اسلامی هدف نهایی انقلاب را ایجاد تمدن اسلامی بر پایه دین، عقلانیت، علم و اخلاق معرفی می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). تمدن، کلان‌ترین سطح از قدرت نرم است. تمدن‌ها با ارائه سبک زندگی، نظام دانش، ارزش‌های اخلاقی و هنر، مرزهای خود را می‌گسترانند.

بیانیه گام دوم با تبیین خود سازی، جامعه‌پردازی و تمدن سازی، زنجیره تولید قدرت نرم را کامل می‌کند: فرد خود ساخته (منبع قدرت نرم)، جامعه الگو (ساختار مولد قدرت نرم) و تمدن نوین اسلامی (برون‌داد نرم منطقه‌ای و جهانی). از این منظر، قدرت نرم صرفاً یک ابزار سیاست خارجی نیست، بلکه فلسفه و روح حاکم بر فرآیند گام دوم است. بنابراین، راهبردهای؛ جهاد علمی برای خودکفایی، ترویج معنویت و اخلاق برای مصون‌سازی فرهنگی، مبارزه با فساد برای اعتمادافزایی، اقتصاد مقاومتی برای عزت اقتصادی، و سبک زندگی اسلامی برای هویت‌بخشی ضرورت دارد. ترکیب این راهبردها با محوریت جوانان، یک قدرت هوشمند انقلابی ایجاد می‌کند که هم در برابر تهدیدات نرم مقاوم است و هم می‌تواند به‌صورت فعالانه در محیط بین‌المللی نفوذ کند.

نتیجه‌گیری

تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با چارچوب نظری قدرت نرم نشان می‌دهد که این سند، قدرتی نرم‌افزارانه را بنیان حرکت چهل‌ساله دوم انقلاب قرار داده است. برخلاف تصور رایج که قدرت نرم را صرفاً به دیپلماسی عمومی و وجهه بین‌المللی فرو می‌کاهد، بیانیه گام دوم آن را از سطح تاکتیکی به سطح راهبردی و تمدنی ارتقا می‌دهد. در این نگاه، قدرت نرم نه یک ابزار در کنار قدرت سخت، بلکه روح کلی حاکم بر فرآیند پیشرفت و تمدن سازی است. محورهای هفت‌گانه بیانیه شامل علم، معنویت و اخلاق، اقتصاد مقاومتی، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و سبک زندگی، به‌مثابه منابع و مجاری قدرت نرم تعریف می‌شوند. جوانان به‌عنوان محور اصلی گام دوم، حاملان این قدرت نرم هستند. خود سازی جوانان، نخستین گام در تولید سرمایه نرم است، جامعه‌پردازی عادلانه و اخلاقی، ساختار مولد قدرت نرم را شکل می‌دهد، و تمدن نوین اسلامی، فرآورده نهایی این قدرت نرم خواهد بود. از این رو، بیانیه گام دوم را می‌توان «مانیفست قدرت نرم تمدنی انقلاب اسلامی» نامید. این رویکرد، ضمن بهره‌گیری از مفهوم‌سازی‌های نظری جوزف نای، آن را با مبانی اسلامی و تجربه انقلاب اسلامی بازتعریف کرده و مدلی

بومی از قدرت نرم عرضه می‌کند که بیش از آنکه در پی جذابیت‌های سطحی فرهنگی باشد، بر اصالت، خودباوری، معنویت و عدالت تکیه دارد. تحقق این الگو مستلزم گذار از چالش‌های درونی و بیرونی است و بیانیه گام دوم انقلاب با تبیین راهبردهای مقاومت فعال، راه‌حل‌های برون‌رفت از این چالش‌ها را نیز ترسیم کرده است. بنابراین، قدرت نرم در گام دوم، تنها یک مفهوم تحلیلی نیست، بلکه یک نسخه عملیاتی برای تحقق تمدن نوین اسلامی به شمار می‌رود.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، تبیین نقش محوری و چندوجهی جوانان در معماری قدرت نرم گام دوم بود. برخلاف مدل کلاسیک نای که قدرت نرم را عمدتاً دولتی و نخبگانی می‌بیند، بیانیه گام دوم، جوانان را به‌عنوان «محور اجرا»، «ذخیره بی‌نظیر الهی» و «حاملان اصلی» همه منابع قدرت نرم معرفی می‌کند. تحلیل پژوهش نشان داد که جوانان در سه سطح به تولید و بازتولید قدرت نرم می‌پردازند: سطح خودسازی (فردی): جوانان با تقویت معنویت، اخلاق، علم‌آموزی و مهارت‌افزایی، خود به «منبع انسانی قدرت نرم» تبدیل می‌شوند. یک جوان مؤمن، عالم و اخلاق‌مدار، خود به‌تنهایی یک رسانه و یک الگوی جذاب است؛ سطح جامعه‌پردازی (ملی): جوانان با مشارکت در نهادهای علمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، ساختارهای مولد قدرت نرم از جمله؛ شرکت‌های دانش‌بنیان، گروه‌های جهادی، تشکلهای فرهنگی و رسانه‌های جوان‌محور را شکل می‌دهند. و سطح تمدن‌سازی (جهانی): جوانان با فعالیت در فضای مجازی، دیپلماسی علمی و شبکه‌های بین‌المللی غیردولتی، قدرت نرم انقلاب اسلامی را به فراسوی مرزها منتشر می‌کنند.

یافته‌های این پژوهش برای سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کشور، دلالت‌های مشخصی دارد:

- سرمایه‌گذاری راهبردی بر روی جوانان: از آنجا که جوانان «محور اجرا» و «حاملان اصلی» قدرت نرم هستند، هرگونه سیاست‌گذاری در حوزه قدرت نرم باید معطوف به «توانمندسازی»، «مشارکت‌دهی» و «اعتماد به جوانان» باشد. تسهیل ورود جوانان به عرصه‌های علم، اقتصاد، فرهنگ و مدیریت، مهم‌ترین راهبرد تقویت قدرت نرم است.
- اولویت‌بندی «معنویت و اخلاق» در برنامه‌ریزی‌ها: با توجه به اینکه معنویت و اخلاق، هسته مرکزی قدرت نرم تمدنی است، ضروری است که نظام آموزشی، رسانه‌ای و فرهنگی کشور، این دو را در اولویت قرار دهند. تقویت ایمان دینی، اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فرهنگ ایثار، زیربنای همه منابع دیگر قدرت نرم است.
- مبارزه جدی با فساد به‌عنوان پیش‌نیاز قدرت نرم: فساد، مهم‌ترین عامل تخریب‌کننده اعتماد عمومی و قدرت نرم نظام است. بیانیه گام دوم با طرح صریح این موضوع، راه را برای یک «جنبش ملی مبارزه با فساد» با محوریت جوانان باز کرده است. شفاف‌سازی، پاسخگویی و استفاده از فناوری‌های نوین برای نظارت همگانی، از اقدامات فوری در این زمینه است.
- بازتعریف اقتصاد مقاومتی به‌عنوان قدرت نرم اقتصادی: لازم است گفتمان اقتصاد مقاومتی از یک «راهبرد دفاعی» به یک «الگوی الهام‌بخش پیشرفت» ارتقا یابد. تبیین موفقیت‌های ایران در شرایط تحریم برای ملت‌های دیگر، می‌تواند به منبعی برای قدرت نرم تبدیل شود.



- توسعه دیپلماسی عمومی جوان‌محور: با توجه به نقش جوانان در فرافکنی قدرت نرم، توسعه دیپلماسی عمومی از طریق شبکه‌های اجتماعی، دیپلماسی علمی و گردشگری فرهنگی با محوریت جوانان، یک ضرورت راهبردی است. جوانان ایرانی می‌توانند «سفیران فرهنگی» انقلاب اسلامی در فضای مجازی و بین‌الملل باشند.
- صیانت از سبک زندگی اسلامی-ایرانی در برابر تهاجم فرهنگی: با عنایت به اینکه سبک زندگی، تجسم عینی قدرت نرم است، سیاستگذاری‌های فرهنگی باید به‌جای «سلبی و تدافعی»، «ایجابی و الگوساز» باشد. تولید محتوای جذاب فرهنگی، حمایت از خانواده و ترویج الگوهای بومی مصرف از اقدامات کلیدی است.



فهرست منابع

۱. اسکندری نسب، محمد (۱۴۰۱). «تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب، با تأکید بر وظایف راهبرد عمل جوانان در گام دوم انقلاب»، فصلنامه علمی مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ۸ (۱)، ۴۱-۷۲.
۲. ایزدی، فؤاد (۱۳۹۵). «قدرت نرم در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی». پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۶ (۱۹)، ۴۵-۶۸. منای، جوزف. اس. (۱۳۸۷). قدرت نرم: ابزار موفقیت در سیاست جهانی. ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۳. برزگر، ابراهیم (۱۳۹۴). «مؤلفه‌های قدرت نرم در گفتمان انقلاب اسلامی». فصلنامه علمی مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۲ (۴۲)، ۷-۲۸
۴. برزگر، ابراهیم (۱۳۹۸). «جنگ نرم و سناریوهای آینده: تحلیل بیانیه گام دوم». فصلنامه علمی امنیت ملی، ۹ (۳۳)، ۱۲۵-۱۴۸
۵. پیشگاهی فرد، زهرا، صادقی، علی، قالیباف، محمدباقر و مهدی پورطاهری (۱۳۹۰). «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی راهبرد، ۲۰ (۴)، ۱۹۱-۲۱۱.
۶. حسینی، سید حسین (۱۳۹۸). «تحلیل بیانیه گام دوم از منظر قدرت نرم». فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۹ (۳۱)، ۱۲۱-۱۴۶
۷. حیدرنژاد، علیرضا و مهدی مقیمی (۱۴۰۱). «طراحی الگوی سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر قدرت نرم)»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ۱۲ (۱)، ۳۰۴-۲۸۱.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸). بیانات در دیدار با نخبگان و برگزیدگان علمی. ۲۲ مهر ۱۳۸۸. قابل دسترس در khamenei.ir
۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران. ۲۲ بهمن ۱۳۹۷. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. قابل دسترس در khamenei.ir
۱۰. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۹). قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۱. خرمشاد، محمدباقر و همکاران (۱۳۹۶). «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای». پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۷ (۲۴)، ۳۵-۵۸
۱۲. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۱). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۱۳. دارابی، علی (۱۳۹۹). «گام دوم انقلاب اسلامی، تهاجم نرم و سواد رسانه‌ای»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ۱۰ (۲)، ۱۲۱-۹۵
۱۴. رکابیان، رشید و ناصر پورحسین (۱۴۰۱). «جایگاه عزت ملی به مثابه قدرت نرم در روابط خارجی در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ۱۲ (۴)، ۹۵-۱۱۶
۱۵. شیرودی، مرتضی (۱۳۹۹). «قدرت نرم، تمدن نوین اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، فصلنامه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی، ۲ (۵)، ۱۱۴-۱۳۲.



۱۶. فیضی، فاضل (۱۴۰۲). «جایگاه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۴ (۵۴)، ۹۷-۱۱۵.

۱۷. قرآن کریم

۱۸. نادری، مهدی و شهره پیرانی (۱۳۹۹). «راهبردهای پیشرو در پسا چهل سالگی انقلاب اسلامی (تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)»، فصلنامه علمی دانش سیاسی، ۱۶ (۱)، ۳۰۵-۳۲۸.

۱۹. نای، جوزف. اس. (۱۳۹۸). آینده قدرت. ترجمه احمد عزیزی. تهران: نشر نی

۲۰. واسطینچ، ادوارد (۱۳۹۹). «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه». ترجمه محمد کاظمی. فصلنامه علمی سیاست خارجی، ۳۴ (۱)، ۷۵-۹۲.

۲۱. یاری‌خانی، موسی و محمدهادی فلاح‌زاده (۱۴۰۳). «گفت‌وگو معنوی انقلاب اسلامی و بازتولید قدرت نرم با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب»، فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۳ (۲)، ۸۳-۱۰۴.

1. Ehteshami, A. & Zweiri, M. (2007). Iran's Foreign Policy: From Khatami to Ahmadinejad. Reading: Ithaca Press.

2. Zaharna, R. S. (2022). Strategic Public Diplomacy and American Foreign Policy: The Evolution of Influence. New York: Oxford University Press.

3. Gallarotti, G. M. (2011). "Soft Power: What It Is, Why It's Important, and the Conditions for Its Effective Use." Journal of Political Power, 4(1), 25-47.

4. Gilboa, E. (2008). "Searching for a Theory of Public Diplomacy." The Annals of the American Academy of Political and Social Science, 616(1), 55-77.

5. Nye, J. S. (1990). Bound to Lead: The Changing Nature of American Power. New York: Basic Books.

6. Nye, J. S. (2004). Soft Power: The Means to Success in World Politics. New York: PublicAffairs.

7. Nye, J. S. (2011). The Future of Power. New York: PublicAffairs.

8. Nye, J. S. (2021). "Soft Power: The Evolution of a Concept." Journal of Political Power, 14(1), 1-14.

9. Sariolghalam, M. (2019). "Soft Power in Iranian Foreign Policy: Sources and Constraints." Iranian Review of Foreign Affairs, 10(2), 5-28.

10. Wastnidge, E. (2015). "The Soft Power of the Islamic Republic of Iran." Middle East Policy, 22(2), 92-107.